



فتنه و ایمان

(۹)

است که با متشابهات خویش، اهل زین و دلباختگان گنده‌نمائی را آن چنان تر می‌کند! * تجاوزگران بناموس افکار و عقائد، از این طریق فرقه‌های متخاصم می‌سازند * داستان حنبله با محمد بن جریر طبری که هزارها دوات و قلم بسویش پرتاب نمودند و خانه‌اش را سنگباران کردند * شطاری و طرایی هیتلر * دست آویز کردن آثار بوسیله خوارج و عافیت طلب‌ها و قرامده وغیر اینها * وبنابراین اگر همه قرآن محکمات می‌بود به غرض و هدف نزدیکتر نبود؟

* اعتراض بر اشتمال قرآن بر متشابه و باطل معرفی می‌کند، مورداً تفاوت بیگانه ویگانه است * موقعیت رسول الله صلی اللہ علیہ وآلہ وعترت اطیبین علیهم السلام نسبت به قرآن، مقام تعلیم وتبیین است، و معجزه بودن قرآن کریم برهانی است براین مدعای * دور روایت در این باره از شیعه وسنی * بیگانه وسیله متین برای اتحاد بین فرق مسلمین، قرآن است و بس * حدیث: ترکتكم على البيضاء ليلها كنهارها * معذلك همین قرآن

حق و باطل معرفی می‌کند، و قاطعانه اعلام مینماید که تبیان هر چیز است و همه مبهمات و معضلات بوسیله آن تبیین و تحلیل می‌شود و موقعیت رسول الله صلی اللہ علیہ وآلہ وعترت بخویش، موقعیت معلم می‌شمارد و بدیهی است که معلم وظیفه و شأنش در مقام تعلیم، ارشاد فهم متعلم است به معانی و مقاصدی که در ک

مقالات مربوط به فتنه خصوصاً حدوث فتنه وتفرق امت بفرقه‌های گوناگون از ناحیه متشابهات قرآن اعتراض برانگیز است به این توضیح: آشنایان با قرآن چه پیروان دین اسلام و چه بیگانگان، دریافته‌اند که قرآن خود را نور و رهنمای گواه روش و فرقان بین

آنها برای وی دشوار است و بعبارتی: حقیقت تعلیم همانا، تسهیل طریق و عبور دادن متعلم بسوی مقصد است از راه مستقیم، پگونه‌ای که با ترتیب و اسلوبی منظم در تعلیم تلقی معنای مطلوب بر ذهن متعلم آسان می‌گردد و به رنج ترتیب و تنظیم و اتفاق عمر در این جهت مبتلا نمی‌شود و همین است مقصد از آیه کریمه: «وازَّلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتَبْيَّنَ لِلنَّاسِ مَا فِي الْبَيْهِمِ» (سورة النمل، آیه ۴۴). ما کتاب شریف که یادآور احکام فطرت است بر توانازل نمودیم تا برای مردم آنچه بسویان فرود آمده تبیین نمائی.

و همچنین آیه مبارکه: «وَبَعَلَمْتُمُ الْكَاتَبَ وَالْحَكْمَةَ» (سورة الجمعة، آیه ۲)، و امثال این آیات که بیانگر مکانت رسول الله صلی الله علیه وآلہ و موقعت حضرتش نسبت به قرآن است و آن همانا تبیین معنای و تعلیم محتوای کتاب و تفاصیل احکام و قصص و معاد است و معجزه بودن قرآن کریم نیز خود برهانی است روشن بر اینکه شأن رسول الله صلی الله علیه وآلہ و میمن است، زیرا کتابی که عموم مردم (اعم از مردم موجود در عصر نزول قرآن و مردم آینده الى یوم القیامه) را دعوت می‌کند که در قرآن تعقل و تدبیر کنند، خصوصاً آیه شریفه «إِنَّمَا يَنْهَا بِرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عَنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوْجَدُوا فِيهِ الْخِلَافَأَ كَثِيرًا» (سورة النساء، آیه ۸۲):

چرا با تدبیر و ترتیب صحیح در قرآن نمی‌اندیشد؟! و چنانچه این کتاب از جانب غیر خدای متعال می‌بود، مسلم اختلاف بسیاری در آن می‌یافتد طبیعی است که ملزم است، مدلولات و معارف آن، برای اهل تدبیر و تعقل، قابل درک و فیصل است و انسان با نصفت وجودان بوسیله تدبیر و اندیشه در آن، می‌یابد که از سوی پروردگار است، و بنابراین با توجه بمقام چنین دعوتی، معتقد ندارد که برای فهم آن به غیر رجوع گردد زیرا حجتیت غیر با آن، ثابت می‌شود، و چنانچه بیان غیر، آن را حجت قرار دهد، مستلزم دور محال است.

پس قرآن شریف خود نور و فرقان بین حق و باطل است و رسول الله صلی الله علیه وآلہ و معتزل طاهرین آن حضرت علیهم السلام که آنان را طبق حدیث متفق علیه بین فریقین: «أَنَّمَا تَارَكَ فِيكُمُ التَّقْلِينَ كَتَبَ اللَّهِ وَعَزَّزَنِي...» قائم مقام خویش فرموده، مقام تعلیم و تبیین را دارند و نبی اکرم صلی الله علیه وآلہ و محبه افتخار می‌نمایند و فطرت است توصیه فرمودند که هنگام فraigیری فتنه‌ها جملگی به قرآن پناهند.

شوند و به نور آن استضایه نموده تا از دیگر فتنه‌ها رهایی یابند: «إِذَا تَبَسَّطَ عَلَيْكُمُ الْفَتْنَ كَفْتَلَ اللَّيلَ الْمُظْلَمَ فَعَلِيْكُمْ بِالْفَرْقَانِ، فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُشْفَعٌ وَمَا حَلَّ مُصْدِقٌ، مِنْ جَعْلِهِ أَمَامَهُ قَادِهِ إِلَى الْجَنَّةِ وَمِنْ جَعْلِهِ خَلْفَهُ سَاقِهِ إِلَى النَّارِ وَهُوَ الدَّلِيلُ بَدِيلٌ عَلَى خَيْرٍ سَبِيلٍ وَهُوَ كِتَابٌ تَفْصِيلٌ وَبِيَانٌ وَتَحْصِيلٌ وَهُوَ الفَصْلُ لِمَنْ بَالَّهُزْلَ...» (ج ۱ ص ۲ از تفسیر عیاشی وج ۹۲ ص ۱۷ از بخاری‌الثانی).

هنگامی که فتنه‌ها همچون پاره‌های شب دیگر بر شما بمانند پوشش احاطه کند، بر شما است که جملگی بقرآن تمکن جوید چه قرآن شافعی است که شفاعتش پذیرفته شده و شاکی است که شکوه اش مورد تصدیق است، هر کس قرآن را پیش روی خویش قرار دهد او را به بهشت می‌کشاند و هر کس قرآن را پشت سر خویش قرار دهد، او را به آتش میراثد، قرآن دلیلی است که بهترین راه دلالت مبناید و قرآن کایی است روشن و در آن تفصیل هر چیزی است و گزینه هر مطلوبی در آن است و قرآن فاصل و جدا از بین حق و باطل است و ناگزینگی در خریمش راه ندارد.

محاجت کبیر ترمذی در متن از برادرزاده حارث اعور «حارث همدانی جد شیخ بهائی ره» نقل کرده که عمیش جناب حارث گفت که امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: «...أَهَا أَتَى سَعْتَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: إِلَّا أَنَّهَا سَتَكُونُ فَتْنَةً، فَقَلَّتْ مَا السُّرُجُ مِنْهَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: كَتَابُ اللَّهِ فِيهِ تَبَآءَ مَا كَانَ قَبْلَكُمْ وَخَيْرٌ مَا بَعْدَكُمْ، وَحِكْمَةٌ مَا بَيْنَكُمْ، وَهُوَ الْفَصْلُ لِمَنْ بَالَّهُزْلَ. مِنْ تَرَكَهُ مِنْ جَيَارِ قَصْدَهُ اللَّهُ وَمِنْ ابْتَغَى الْهُدَى فِي غَيْرِهِ أَصْلَهُ اللَّهُ وَهُوَ حِيلَ اللَّهِ الْمُتَّبِّعُونَ وَهُوَ الذُّكْرُ الْحَكِيمُ...» (ج ۵ ص ۱۷۲).

شنبه از پیغمبر اکرم صلی الله علیه وسلم که می‌فرمودند: هاں که فتنه پدید خواهد آمد، عرض کردند: راه خروج از آن فتنه چیست یا رسول الله؟ فرمودند: کتاب خدا، در آن است اخبار مهم عبرت انجیز گذشتگان و خبرهای آینده گان و حکم مایستان و آن کتاب، فاصل بین حق و باطل است و هزل ولاطائل نیست، هر زورگوشی که آن را ترک کند خدای هلاکش گرداند و هر کس که از غیر قرآن هدایت جوید، خدای گمراهش خواهد نمود قرآن وسیله الهی محکم و یادآور میثاق فطرت است با روشن حکیمانه.



وظاهرآ مراد از حدیث نبوی: «وَإِنَّمَا الْأَنْهَىٰ فِيَرْكَبِكُمْ عَلَى الْبَيْضَاءِ لِبَلْهَا كَهَارَهَا لَا يَرِيَغُونَهَا بَعْدَ أَلَا هَالِكَ» که در مسن ابن ماجه قریب به این تعبیر (ج ۱ ص ۶) آمده، ملت و طریقه‌ای است که قرآن رهنمای دلیل آن است: «إِنَّهَا الْقُرْآنُ يَهْدِي إِلَيْنَا هُنَّ الْقَوْمُ» و آیات و روایات دیگر از فرقیین یعنی شیعه و سنت در این باره آنقدر است که استقصاء آنها تألیف کتاب مستقلی را مقتضی است.

و معدلک می‌بینیم هر صاحب مذهبی از مذاهب مختلف منسوب به اسلام و رئیس هر فرقه‌ای از فرق اسلامی در اثبات مذهب خود به قرآن متمسک می‌شود و این استدلالهای متقابل بخاطر این است که قرآن میان در عین میان بودن مشتمل بر آیات مشابهی است که برای اهل زین و تیره درونان برتری جو، و میله و دست آویزی است تا مقاصد شوم خویش نائل شوند و به حرم عقائد و افکار اهل کتاب واحد و قبله واحد و نبی واحد، تجاوز کنند و امت واحد را به فرقه‌های متخاصم مبتل می‌زنند! یاقوت حموی در معجم الادباء این داستان اسف انگیز را آورده است:

لَا حَمْدَ لِشَرِيكِ لَا شَكُّ عَالٍ إِذَا وَافَى إِلَى الرَّحْمَنِ وَافَدَ
فَبِدَ نَبِيٍّ وَيَقْعُدُهُ كَرِيمًا عَلَى عَرْشِ
طَبَرِيٌّ پَسَّ اَبِنَ وَاقِعَهُ نَا كَفِيرَ خَانَهُ نَشِينَ شَدَ وَكَاتَبَ
مَشْهُورَ خُودَ رَا در عَذْرَخَواهِي اَزْحَابَهُ نَوْشَتَ وَمَذَكَرَ
مَذَهَبَ خُودَ شَدَ وَكَسَانِي رَا کَهْ گَمَانِي جَزْ آنَ در بَارَهِ اَشَدَ
دَاشَتَ اَنَّ تَكْتَبَ نَمُودَ وَكَتَابَرا بر آنَهَا خَوَانَدَ وَابِنَ حَنْبَلَ رَا
بَهْ بَرَتَرِي يَادَ كَرَدَ وَمَذَهَبَ وَرِي رَا مَذَدَ كَرَشَدَ وَاعْتِقَادَشَ رَا
صَوَابَ دَانَتِ! ... (ج ۱۸ صفحه ۵۷-۵۹)

تاریخ شکنیهای بسیاری را در ابعاد مختلف زندگی بشریاد آور آمیخت که اسف انگیزتر از همه آنها داستان تجاوزیه افکار و عقائد مردم است که تاریک دلان طزار حتی بدون دست آویز نمودن کتاب و آثار الهی، بلکه فقط با انتخاب واژه‌های فربیان، ماهرانه جلو فهم مردم ساده‌لوج را گرفته و شقارانه، افکار و عقائد آنان را بیغما برده‌اند، از «پاولو» دانشمند روسی نقل شده که گفته است: «می‌توان شرائطی بوجود آورد که انسانها را تبدیل به افرادی بی‌اراده و اتومات نمود» و رمز توفیق هیتلر در جهان‌سوزی، انتخاب همین طریقه بوده است و این نقاش، امتیازش در طراری بوده و نه در نقاشی، او و وزیر تبلیغاتش گوبلن چنان درین فن ماهر بودند که توانستند تقریباً همه دانشمندان و متفکران و دیگر

«چون محمد بن جریر طبری از طبرستان به بغداد می‌گشت ابوعبدالله چصاص و جعفرین عرفه و بیاضی به مقابلة با او برخاستند و پیروان مسلک حنبلیه تحریک شدند قصد وی نمودند و در مسجد جامع روز جمعه اورا در بشاره احمد بن حنبل زیر سوال برداشتند که احمد را چگونه فیداند؟ و این حدیث «جلوس بر عرش» پرسش نمودند.

او در پاسخ گفت: اما خلاف احمد بن حنبل در آراء فقهی قابل اعتماد نیست گفتن فقهاء اورا در اختلافات فقهی ذکر کرده‌اند، پاسخ داد: من ندیده‌ام کسی از روی روایت کرده باشد و نیز ندیده‌ام که دارای اصحاب مورد اعتمادی باشد، و اما حدیث «جلوس بر عرش» امری است متعین، آنگاه این بیت را انشاء کرد:

سَبَحَانَ مَنْ لَيْسَ لَهُ إِلَيْنَّ وَلَا لَهُ فِي عَرْشَهُ جَلِيلٌ
وَچون‌حنبله و اصحاب حدیث این کلام را از طبری

اعمال شنیع نمودند!
و نظائر اینها از آثاری که دست آویز قرامطه و باطنیه و
ملحاده و برخی از متكلمان گردید و تأویلات رکیک و
برداشتهای سوء از آنها گردند که فقهاء و متوفکران معهد اسلام
ناگزیر شدند بر رده آنان، کتاب و مقاله بنویسند و خود امام
احمد بن حنبل بر رده سوء برداشتی که زنا و جهمیه از
مت شباهات قرآن کرده بودند، کتابی تصویف نمود و اعوجاجات
آنها را روشن ساخت و در این راه چه مواهی از اعمار و اوقات
گرایانها مصرف گردیده تا شباهات ناشی از مت شباهات را دفع و
رفع کنند!

آیا اگر همه قرآن آیات محکمات منی بود یا از مت شباهات
خالی می شد تزدیکتر به هدف یعنی هدایت بشر و سعادت او
نمی بود؟ آیا در این صورت بهانه از دست اهل زین و کریلان،
گرفته نمی شد و ماده فتنه و سوء تاویل قلع نمی گردید؟ و جلو اینهمه
فریبکاری و گمراهی مسدود نمی شد؟ و عفت عقائد، از تجاوز
فاجران قیدیس نما مصون نمی ماند؟ و موهبت عمر و وقت در مقام
رذ شباهات، بهادر می رفت؟

مگر نه این است که خداوند متعال لطیف است؟ و لطف
یعنی انجام عملی که طرف را بمقصد صاحب لطف تزدیک
سازد مثلاً! اگر کسی را بضیافت دعوت کنید و می دانید او اجابت
نمی کند مگر مرکوبی برایش ارسال نمائید این فرمادان وسیله
مواری را لطف می گویند که خوانده شده بمعهمانی را بمقصد
میزبان تزدیک می کند و بنابر این آیا قاعدة لطف، اقتضاء ندارد
که قرآن از مت شباهات خالی باشد؟ آیا خلو از مت شباهات، یا
ملاحظه تفسیری که از معنی لطف بعمل آوردم، لطف نیست؟
وحاصل این اعتراض دیرینه آنکه راز اشتمال قرآن مجید بر
مت شباهات، چیست؟ و چرا بسیاری از اخبار نیز از منع
مت شباهات است؟ آیا راز وقوع مت شباهات در کتاب و سنت،
متقاوی است یا مشترک؟

ادامه دارد

اقشار کشور آلمان را که قلب تمدن قاره اروپا بشمار می آمده،
بی اراده و اتوهات سازند و کورکورانه بدنبال خویش بکشانند و
هیتلر با شناخت روانی که از مردم داشت، سخنرانیهای خویش
را در انبوه صدهزارنفری هنگام غروب یا شب که مردم خسته و
بی حالت و مجالی برای اندیشیدن ندارند، ترتیب میداد مضافاً بنور
افکنهای قوی و نواختن مارشها و موسيک های حساب شده که
طریق و تحقیق وی موثرer واقع شود.

باری! اهل زین و دلباختگان گنده نمائی، بسا که بدون
تشبیث بمت شباهات کتاب و سنت، رهفان اندیشه های مردم
می شوند و به روح و ناموس عقیدتی آنان تجاوز می کنند، تا چه
رسد که دست آویزی از مت شباهات کتاب و سنت بیابند، در
اینصورت است که از جهه قبیه می سازند! و فتنه ها بپا نموده و
خونها بخاک می رینند.

پدید آوران فرقه خوارج علاوه بر احتجاج بمت شباهات کتاب،
بمت شباهاتی از آثار مانند: «صلوا سیوفکم على عوانفکم نم ابیدوا
حضراءهم». شمشیرهایتان را برگردان بگذرانید و جماعت مخالف
خود را تباہ کنید. و: «ولا نزال طالفة من اهتم ظاهرين على الحق لا يضرهم من
خالفهم». همواره طائفه ای از اقوام پشتیبان حقند، زیانی از
مخالف نمی بینند. احتجاج نمودند چه فتنه هائی در علوک تاریخ
اتیام دادند!

و زینگ های دلباخته زندگی و خور و خواب وزن و عیش و
نوش نیز به آثاری مانند: «عليكم بالجماعة فاذ يبدأ اللعن عزوجل عليهما».
همزنگ جماعت شوید و همراه آنان باشید که قدرت خداوند
عزوجل پشتیبان جماعت است. و: «صلوا خلف كل برق و فاجر».
پشت سر نکوکار و بد کار نماز بگذارید تمسک جسته چه
بی تفاوتیهایی به ارت گذاشتند!

و مرجحه بودند که با استدلال بمثل اثر: «من قال لا الله الا
الله» فهوفي الجنة، قيل: وان زنى وان سرق؟ قال: وان زنى وان
سرق» هر کسی که لا الله الا الله گفت در بهشت است، عرض شد: اگر
چه زنا و ذریت کرده باشد؟ فرمودند: اگر چه زنا و ذریت کرده باشد،
چگونه خط بطلان بر نکوکارها کشیدند و ترویج فساد اخلاق و